

دنیای پر رمز و راز افسانه‌ها و حماسه‌ها



جنگ‌های ایرانیان با تورانیان

چگونه به بازسازی گذشته می‌پردازند و برای این کار از چه ابزارهایی بهره می‌برند. نیز با این نکته آشنا خواهید شد که تا چه اندازه بازسازی آغاز تاریخ انسان، دشوار است و مورخان برای بازسازی گذشته‌های دور، از چه منابعی استفاده می‌کنند. یکی از این منابع افسانه‌ها و حماسه‌های رایج در میان ملت‌ها هستند که در این درس با آنها آشنا می‌شوید.

براساس آنچه تاکنون خوانده‌اید، تاریخ دانشی معرفی شد که دو رکن عمده آن زمان و مکان است. موضوع اصلی این دانش بررسی گذشته بشر و تحولات آن است. اما باید دید اندازه آگاهی‌های ما از گذشته چه قدر است؟ آیا ما درباره همه گذشته طولانی بشر، آگاهی‌های نوشته شده (مکتوبات) داریم؟ در این درس و درس‌های بعد با این موضوع آشنا می‌شوید که مورخان

افسانه و تاریخ

مشهور است که تاریخ از افسانه شروع می‌شود؛ یعنی ابتدای تاریخ، «افسانه‌ای» است. ایرانیان باستان عقیده داشتند که اولین انسان و نخستین فرمانروای روی زمین شخصی به نام کیومرث بوده است. چینی‌های باستان بر این باور بودند که اولین انسان پان‌کو نام داشته و از نفس او باد و از موهایش درختان به‌وجود آمده‌اند. به همین نحو اگر تاریخ همه اقوام و ملل را مطالعه کنیم، می‌بینیم همه آنها وقتی تاریخ خود را از زمان‌های دور - زمان‌هایی که ما به درستی نمی‌دانیم چند هزار سال پیش بوده است - آغاز می‌کنند، از افسانه‌ها کمک می‌گیرند. اقوام و ملت‌ها با استفاده از افسانه‌ها، چگونگی پیدایش انسان، ساخته‌شدن وسایل و ابزارها، بنیان‌گذاری اعیاد و سنت‌ها و همانند آنها را بیان می‌کنند.

وقتی که افسانه‌ها، گذشته جوامع انسانی را بازگو می‌کنند، انسان با دنیایی از رمز و رازها، شگفتی‌ها و زیبایی‌های خیال‌انگیز روبرو می‌شود، اما در همان حال توضیحی روشن و دقیق از آنچه روی داده است به دست نمی‌آورد. در حقیقت وقتی که انسان به افسانه‌ها که محتوای آنها مربوط به دور دست‌های تاریخ است، می‌نگرد، مانند آن است که در افق‌های دور دست همه‌چیز در حاله‌ای از ابهام فرومی‌رود. درعین حال اجزای اشیاء از یکدیگر تفکیک نمی‌شوند.

نامشخص و غیردقیق بودن محتوای افسانه‌ها بدین دلیل است که در افسانه‌ها به زمان و مکان پدیده‌ها توجهی نمی‌شود در حالی که در درس‌های گذشته خواندید که در تاریخ، هر واقعه‌ای زمان و مکان معینی دارد. مثلاً در افسانه‌های سومری آمده است که پهلوانی به نام گیل‌گامش^۱ در جست‌وجوی زندگی جاوید به جزیره‌ای به نام دیلمون سفر کرد. ما نمی‌دانیم دیلمون کجاست و گیل‌گامش کی و طی چند روز به آنجا رسیده است. اما در تاریخ، به عنوان مثال، می‌خوانیم؛ در سال ۴۶۳ ق. در ملازگرد (در شرق آسیای صغیر) میان آلب ارسلان سلجوقی و رومانوس دیوجانوس امپراتور بیزانس جنگی درگرفته و آلب ارسلان پیروز شده است. حتی می‌توان این خبر را دقیق و با ذکر جزئیات فراوان عرضه کرد.

اصطلاحاتی مانند افسانه، قصه، داستان و اسطوره اگر چه هر یک معنای خاص و ریشه لغوی مخصوص خویش را دارند، اما تقریباً به یک مفهوم به کار می‌روند. معمولاً منظور از به‌کاربردن این نام‌ها، داستان یا سرگذشت خیالی و غیرواقعی است. اما در مورد این که محتوای افسانه‌ها به کلی غیرواقعی است یا نه، میان مورخان، اسطوره‌شناسان و صاحب‌نظران فرهنگ بشری اتفاق‌نظر وجود ندارد. اکثر آنان بر این عقیده هستند که افسانه‌ها براساس واقعیات ساخته شده‌اند و در اصل واقعی بوده‌اند، لیکن با



بر اساس افسانه‌های یونانی، مهاجمان با ساختن یک اسب جویی و پنهان کردن سربازان خود در آن، موفق به نفوذ در شهر تروا شدند.

۲- مفاهیم و مضامین افسانه‌ها، اختصاصاً به یک قوم یا ملت ندارد. مثلاً «قهرمان» در همه افسانه‌ها وجود دارد. در افسانه‌های ایران باستان اسفندیار، قهرمانی روئین تن است. در یونان باستان آشیل و در اسکاندیناوی بالدر روئین تن هستند. بدون آن که ظاهراً میان این فرهنگ‌ها رابطه‌ای وجود داشته باشد، در این مفاهیم مشترک می‌باشند. این تشابه و اشتراک نشانه چیست؟ دانشمندان با استفاده از اسطوره‌شناسی تطبیقی به مطالعه دربارهٔ وجوه مشترک افسانه‌های ملل می‌پردازند و به موارد فراوانی از این شباهت‌ها دست یافته‌اند. آنان به این نتیجه رسیده‌اند که این شباهت‌ها اتفاقی نیست و گویای حقایق است. مثلاً نشان می‌دهد که انسان‌ها در گذشته‌های دور با هم زندگی می‌کرده‌اند و سپس از هم جدا شده‌اند.

گذشت زمان دچار دگرگونی شده و به شکل افسانه و اسطوره درآمده‌اند. در این تغییر و تبدیل، آن قدر سخنان عجیب و مطالب حیرت‌انگیز به آنها افزوده شده و توأم با اغراق‌گویی و خیال‌پردازی شده است که ظاهر آنها با خرد سازگار نمی‌نماید.

بعضی از دانشمندانی که افسانه‌ها را یک سره بی‌اساس می‌دانند معتقدند که چون انسان‌ها در گذشته، دربارهٔ پدیده‌های طبیعی و وقایع تاریخی آگاهی اندکی داشته‌اند، برای بیان آنها به تخیل و پندار متوسل می‌شده‌اند. بنابراین نظر، افسانه دستاورد خیال‌پردازی انسان‌ها بوده است، اما تحقیقات گروهی دیگر از دانشمندان، این ادعا را رد می‌کند که افسانه‌ها یکسره زادهٔ پندار و خیال باشند؛ زیرا:

۱- در اثر مطالعات مورخان و باستان‌شناسان، شواهدی به دست آمده که با بعضی مطالب موجود در افسانه‌ها هم‌خوانی دارد. مثلاً در تاریخ و فرهنگ یونان باستان «داستان جنگ تروا» بسیار مشهور است. جنگ تروا میان اقوام مهاجم یونانی با ساکنان شهر تروا صورت گرفت و سرانجام شهر به تصرف مهاجمان درآمد. همه فکر می‌کردند این داستان غیرواقعی است، اما هنگامی که در پی کاوش‌های باستان‌شناسی، خرابه‌های شهر تروا در غرب آسیای صغیر کشف شد، تحقیقات نشان داد این جنگ در ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد رخ داده است.

۱- در سال ۱۸۷۰ م توسط شلیمان باستان‌شناس آلمانی

خدایی به نام زئوس اعتقاد داشته‌اند. تحقیقات اسطوره‌شناسی و زبان‌شناسی نشان داده که دیو، زئوس و دئوس یکی بوده‌اند و در زمانی که اقوام ایرانی و هندی با هم زندگی می‌کرده‌اند خدای مورد پرستش آنان بوده است. حال بینیم افسانه‌ها چگونه پدید آمده‌اند.

به همین دلیل برخی باورها و شکل زندگی آنها در دوران زندگی مشترک همانند هم بوده است؛ مثلاً در ایران باستان مردم بر این باور بوده‌اند که موجود شروری به نام دیو وجود دارد. همین موجود را هندی‌ها دئوس می‌خوانده‌اند، و آن را یکی از خدایان خود می‌پنداشته‌اند. یونانی‌ها نیز به

پیک ژرف‌بینی

بر اساس اسطوره‌های اسکانندیناوی، **لوکی دشمن بالدر** است. بالدر چندین بار در خواب می‌بیند که خواهد مرد. اما **فریگ** (یکی از خدایان) همه موجودات را سوگند می‌دهد که به بالدر آسیبی نرسانند؛ به جز درختی که بسیار کوچک است. لوکی با شاخه‌ای از درخت، تیری می‌سازد و به **هود** می‌دهد تا به طرف بالدر پرتاب کند. بدین ترتیب بر اثر آن تیر، بالدر جان می‌سپارد.

تلاش بسیار می‌کرده‌اند، و به خصوص ایرانیان باستان از دروغ‌گویی متنفر بوده‌اند. اما باید توجه داشت که حافظه انسان همواره در معرض خطر قرار دارد و این موضوع موجب از بین رفتن اطلاعات ما درباره آن واقعه یا تغییر و تبدیل آن می‌شود. از سوی دیگر در گفت‌وگوشنود هم، همواره احتمال اشتباه و لغزش وجود دارد. اگر گوینده در گفتار خود دچار نارسایی باشد یا شنونده درک شنیده‌ها دقت کافی به خرج ندهد، به احتمال زیاد موضوع مورد گفت‌وگو دچار تغییر و تبدیل فراوان می‌شود.

فرهنگ شفاهی و پیدایش افسانه‌ها

یکی از دلایل حضور بینش‌های افسانه‌ای و اسطوره‌ای در تاریخ بشر، حاکمیت فرهنگ شفاهی بوده است. نقطه مقابل فرهنگ شفاهی، فرهنگ مکتوب است. در فرهنگ مکتوب عامل اصلی حفظ و انتقال دانش‌ها و تجارب بشری و به‌طور کلی آنچه فرهنگ را می‌سازد، کتابت است؛ اما در فرهنگ شفاهی عامل اصلی حفظ و انتقال دانش‌ها، تجارب و به‌طور کلی فرهنگ، حافظه و گفت‌و شنود است. انسان‌ها در زمان‌های گذشته برای حفظ میراث‌های فرهنگی جوامع خویش

فرهنگ مکتوب به پایان می‌رسد. در هند باستان پس از آن‌که چندین قرن افسانه‌ها و اعتقادات مردم سینه به سینه نقل شد در حدود ۱۲۰۰ ق. م به صورت مکتوب درآمد که به آنها کتاب‌های ودا می‌گویند. در یونان باستان نیز پس از چند قرن افسانه‌ها و داستان‌ها در قرن نهم قبل از میلاد مکتوب شد. دو کتاب ایللیاد و او دیسه از آن جمله هستند. افسانه‌ها تا زمانی که مکتوب نشده‌اند همواره در حال تغییر و تحول و نیز تلفیق با افسانه‌های دیگر ملل هستند، اما پس از نوشته‌شدن، دیگر تقریباً شکل و محتوای ثابتی به خود می‌گیرند. برای مثال هنگامی که فردوسی شاهنامه را به نظم می‌آورد، روایت‌های مختلفی از افسانه‌ها و حماسه‌های ایرانی وجود داشت. اما پس از آن همگان شاهنامه را شکل واحد افسانه‌ها و حماسه‌های ایرانی دانستند.



هومر، حماسه سرای یونانی به جمع‌آوری افسانه‌ها و حماسه‌های یونانی پرداخت و آنها را در دو مجموعه به نام‌های «ایللیاد» و «او دیسه» گرد آورد.

علاوه بر این عواملی چون گذشت زمان، تحول فرهنگ‌ها، اعمال سلیقه، نفوذ اغراض و اهداف و دخالت تعصبات اعتقادی و قومی و مسائلی نظیر آنها از مهم‌ترین عوامل دگرگونی اخبار و داستان‌ها در فرهنگ‌های شفاهی است.

پیدایش افسانه‌ها یا به عبارتی دیگر تبدیل رخداد‌های تاریخی به افسانه‌ها، در اصل به همین دلیل بوده است. زیرا واقعه‌ای که رخ می‌داد از نسلی به نسل دیگر به صورت سینه به سینه انتقال می‌یافت و در این انتقال تغییراتی به وجود می‌آمد و یک واقعه تاریخی را به افسانه تبدیل می‌کرد. به عنوان مثال رستم، قهرمان معروف شاهنامه، فردی است که در حماسه‌ها چند صد سال عمر می‌کند. در همه جنگ‌ها پیروز می‌شود، بسیار زورمند است و... شکی نیست که پهلوانی به نام رستم وجود داشته، اما در مورد او اغراق‌گویی شده است. فردوسی خود در این مورد می‌گوید:

که رستم یلی بود در سیستان

منش کرده‌ام رستم داستان

بنابراین دانشمندان معتقدند افسانه‌ها هسته‌ای از واقعیت دارند که در طول زمان در حاله‌ای از تخیلات و در معرض افزودن‌ها و کاستن‌ها قرار می‌گیرند. ویکو مورخ ایتالیایی در این مورد می‌گوید: افسانه‌ها در اصل راست و جدی بوده‌اند، اما بعدها دستخوش تغییر شده‌اند. معمولاً فرهنگ شفاهی جوامع با حاکمیت

آنها را به سوی زندگی سالم و به کارگیری ابزار و وسایل راهنمایی می کرده اند.

اگر به افسانه‌های ملت‌های دیگر نیز مراجعه کنیم، می‌بینیم که همه در اوایل افسانه‌های خویش دارای دورانی طلایی بوده اند.

حماسه‌ها

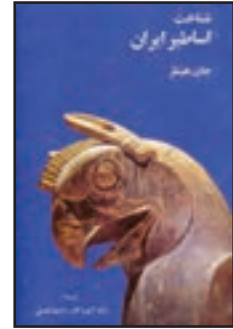
گفتیم که تاریخ با افسانه آغاز می‌شود یا به قولی افسانه‌ها سپیده دم تاریخ را مه‌آلود کرده اند. در حد فاصل افسانه و تاریخ، حماسه قرار دارد. حماسه بیان شاعرانه اعمال رزمی و پهلوانی است. افسانه با حماسه تفاوت زیادی ندارد. فقط می‌توان گفت که در افسانه‌ها بیشتر راجع به پیدایش ملت‌ها، سنت‌ها، ابزارها و پدیده‌ها سخن گفته می‌شود، در حالی که در حماسه‌ها درباره حفظ جوامع از دستبرد دشمنان با توسل به جنگ و اعمال پهلوانی گفت‌وگو می‌شود. در فرهنگ ملت‌ها همواره حماسه بیش از افسانه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. زیرا حماسه‌ها نقش بسیار مهمی در حفظ جوامع از خطراتی که آنها را تهدید می‌کرده، ایفا کرده اند و روحیه جوانمردی و جنگاوری را تقویت می‌کرده است.

به طور خلاصه می‌توان گفت که گذشته ملت‌های بزرگ و قدیمی دارای سه مرحله است که به ترتیب عبارتند از:

۱- مرحله افسانه‌ای

۲- مرحله حماسی

۳- مرحله تاریخی



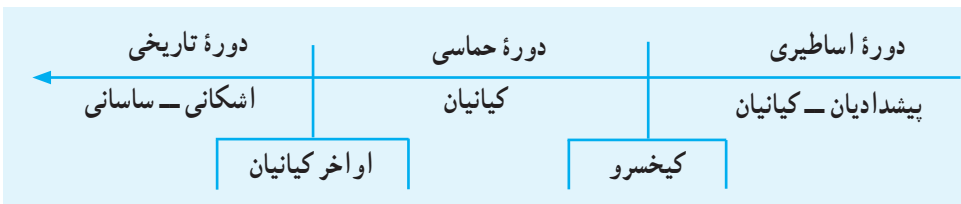
عصر طلایی در تاریخ ملت‌ها

گفتیم که اقوام و ملل مختلف، تاریخ خود را با افسانه‌ها آغاز می‌کنند. در افسانه‌ها از چگونگی پیدایش انسان و جهان، جدال خیر و شر و اموری مانند آنها سخن گفته می‌شود معمولاً در افسانه‌ها، هر ملتی دارای یک عصر طلایی است. یعنی عصری که سراسر آن خوبی و خوشبختی بوده و از درد و رنج و دشمنی اثری و خبری نبوده است. ایرانیان باستان بر این باور بوده اند که در روزگاران دور، شهریاری افسانه‌ای به نام جمشید در محلی به نام وَرَجْمَکَرَد زندگی می‌کرده است. در ورجمکرد اثری از مرض، پیری، مرگ، گرسنگی، حسادت، دشمنی و مانند آنها نبوده و انسان‌ها در خوشبختی زندگی می‌کرده اند. به عقیده هندی‌های باستان در عصری به نام کریتایوگا انسان‌ها عمر طولانی داشته و براساس راستی و درستی زندگی می‌کرده اند به عقیده چینی‌های باستان، در عصر خاقان‌های نیکوکار، انسان‌ها خوشبخت بوده اند. خاقان‌ها که خیرخواه انسان‌ها بوده اند مانند معلمی دلسوز

در مرحله اول (افسانه) وقایع تاریخی کاملاً دگرگون شده‌اند. در مرحله دوم (حماسه) وقایع تاریخی تا حدود زیادی دگرگون شده‌اند و در مرحله سوم (تاریخ) وقایع تاریخی کمابیش بدون تغییر مانده‌اند. مهم‌ترین عامل حفظ اخبار تاریخی و جلوگیری از تبدیل آنها به حماسه یا افسانه گسترش استفاده از خط است. استفاده از خط تا آن اندازه در تاریخ‌نویسی اهمیت دارد که مورخان بر مبنای آن، تاریخ را به دو دوره پیش از تاریخ و تاریخی تقسیم کرده‌اند.

تاریخ ایران پیش از اسلام بر اساس شاهنامه

چنان که در سال‌های قبل خوانده‌اید،



بر این اساس، و با توجه به مراحل سه‌گانه تاریخ ملت‌ها در گذشته، تاریخ ایران پیش از اسلام را می‌توان چنین تقسیم‌بندی کرد:

(۱) دوران افسانه‌ای (اساطیری) از پیشدادیان تا دوره کیخسرو پادشاه کیانی

(۲) دوران حماسی از فرمانروایی کیخسرو تا اواخر دوره کیانیان.

(۳) دوران تاریخی از سال‌های پایانی فرمانروایی کیانیان تا سراسر دوران فرمانروایی اشکانیان و ساسانیان.

دوران تاریخی کشور ما در حال حاضر نیز ادامه دارد.

تاریخ حماسی ایران براساس شاهنامه

در زیر شرح خلاصه‌ای از این دوره‌ها براساس شاهنامه فردوسی و دیگر روایات ایرانی آورده می‌شود.

پیشدادیان – پیشداد یعنی قانون‌گذار نخستین و جمع آن پیشدادیان است. به نوشته شاهنامه فردوسی کیومرث اولین انسان و اولین فرمانروا بود. او که در کوه‌ها زندگی می‌کرد و لباسش از پوست پلنگ بود، سی سال بر انسان و حیوان فرمانروایی کرد. پسر کیومرث، سیامک نام داشت که به دست دیوها کشته شد. اما فرزندش به نام هوشنگ از دیوها انتقام گرفت. هوشنگ اولین کسی است که لقب پیشدادی یافت و شیوه استخراج فلزات و رام کردن حیوانات را به بشر آموخت. روزی هوشنگ سنگی به سوی ماری پرتاب کرد. از برخورد آن سنگ با سنگی دیگر جرقه‌ای پدید آمد و بوته‌ای خشک را به آتش کشید. بدین ترتیب آتش کشف شد.

پسر هوشنگ، تهمورث نام داشت. او فن ساختن نخ از پشم و دوختن پارچه را به مردم آموخت. تهمورث دیوها را مطیع خود ساخت و آنان به او خواندن و نوشتن آموختند.

پس از تهمورث جمشید به فرمانروایی رسید. او ۷۰۰ سال حکومت کرد جمشید ساختن اسلحه، پارچه‌بافی از ابریشم و خانه‌سازی را به مردم آموخت. سپس جمشید بر دیوان پیروز شد و روز پیروزی خود را نوروز نامید. بدین ترتیب عید نوروز به وجود آمد. او در اواخر عمر دچار غرور شد و گناهکاری پیشه ساخت. در نتیجه بدبختی پدید آمد و جادوگری به نام ضحاک به او حمله کرد. جمشید اسیر ضحاک شد و با ارّه به دو نیمه گردید. ضحاک هزار سال حکومت کرد و چون بر شانه‌هایش دو مار روییده بود، برای خوراک آنها عده زیادی را کشت. تا آنکه کاوه آهنگر علیه او به پاخاست. کاوه آهنگر چرمی را بر سر نیزه کرد که آن را درفش کاویان نامیدند. درفش کاویان پرچم ایرانیان پیش از اسلام بوده است. با قیام کاوه آهنگر، فریدون نوه جمشید که پنهان

شده بود، به کاخ ضحاک حمله کرد و او را اسیر و در کوه دماوند زندانی کرد. فریدون مدت‌ها حکومت کرد. او بر تمامی جهان حکم می‌راند. فریدون سه پسر به نام‌های **ایرج، سلم و تور** داشت. او غرب دنیا را به سلم داد. سلم نیای مردم مغرب یعنی یونان و روم است. شرق دنیا را هم به تور داد. تور نیای تورانی‌ها یعنی ترکان و چینی‌ها است. وسط زمین را هم به ایرج داد. ایرج نیای ایرانیان است. قلمرو ایرج را که در میانه جهان قرار دارد، ایران می‌نامند.

چون ایران بهترین جای دنیا بود، سلم و تور بر ایرج حسد بردند و او را کشتند. اما **منوچهر** نوه ایرج با کشتن سلم و تور انتقام گرفت. از زمان منوچهر جنگ ایران و توران آغاز شد. **افراسیاب** پادشاه توران به ایران حمله کرد. براساس روایات حماسی پس از مدتی جنگ، دو طرف تصمیم گرفتند برای تعیین مرز ایران و توران، **آرش** پهلوان ایرانی از بالای کوه دماوند تیری به سوی مشرق پرتاب کند. آرش با تمام نیرو تیری پرتاب کرد؛ به طوری که بر اثر فشار ناشی از این کار جان به جان آفرین تسلیم کرد. تیر پس از طی مسافتی طولانی در کنار رود **جیحون** به تنه درختی نشست و آن‌جا مرز ایران و توران شد.

اما افراسیاب که فرد شرووری بود حمله به ایران را ادامه داد و کشتار و خرابی بسیار پدید آورد. ایرانیان سخت در برابر او ایستادگی می‌کردند. به خصوص پهلوانان سیستانی در جنگ‌ها دلیری بسیار نشان دادند. یکی از این پهلوانان **سام** نام داشت. او پسری داشت به نام **زال** که موهای سفیدی داشت. سام از داشتن پسری با این رنگ مو شرمنده بود لذا او را در کوهی رها کرد. اما **سیمرغ** که پرنده‌ای دانا بود او را نجات داد و بزرگ کرد. زال که جوانی زیبا و نیرومند شده بود به سوی پدرش که از عمل خود پشیمان شده بود بازگشت. زال صاحب فرزندی به نام **رستم** شد. او نیرومندترین پهلوان ایران قدیم بود و بارها دشمنان ایران را شکست داد.

کیانیان – حملات وحشیانه افراسیاب، ایران را دچار نابسامانی و ویرانی ساخت. پس از مدتی **کی قباد** از نوادگان فریدون فرمانروای ایران شد. «کی» به معنای پادشاه است و کیانیان یعنی «پادشاهان». کی قباد بنیانگذار سلسله «کیانی» است و پس از او **کی کاووس** به پادشاهی رسید. کی کاووس فرمانروای خردمندی نبود و دو بار به دست

دشمنان اسیر شد هر دو بار رستم او را نجات داد. اقدامات کی کاووس سرانجام موجب رنجش پسرش **سیاوش** گردید. سیاوش نیز به توران نزد افراسیاب رفت. افراسیاب در ابتدا با سیاوش مهربانی کرد. اما سپس با ناجوانمردی او را به قتل رساند. لشکریان ایرانی به فرماندهی رستم به انتقام خون سیاوش به توران حمله کردند.

پس از مدتی **کی خسرو** پسر سیاوش که از دست افراسیاب جان سالم به در برده بود، به ایران آمد و پادشاه شد. او به انتقام خون سیاوش به توران حمله کرد. پهلوانان ایرانی در این جنگ دلیری‌های بسیار از خود نشان دادند. عاقبت افراسیاب اسیر شد و به قتل رسید.

پس از کی خسرو، **لهراسب** به شاهی نشست که به خوبی کشور را اداره کرد. سپس فرمانروایی به پسرش **گشتاسب** رسید. در زمان گشتاسب **زرتشت** پیامبر ایران باستان ظهور کرد. گشتاسب و ایرانیان آیین زردشت را پذیرفتند. **ارجاسب** پادشاه توران که دشمن خدایپرستان (زردشتیان) بود به ایران حمله کرد، اما ایرانیان او را شکست دادند. در این دوره از جنگ‌های ایران و توران، **اسفندیار** پسر گشتاسب، خدمات بزرگی انجام داد و در مقابل از پدر خواست که تاج و تخت را بدو واگذارد، گشتاسب برای آن‌که از خواسته پسر سرباز زند، از او خواست به سیستان برود تا رستم را دست بسته به نزدش بیاورد، زیرا می‌دانست او از عهده این کار برنخواهد



کشته شدن سیاوش به دست تورانیان. زنی که در تصویر دیده می‌شود، فرنگیس دختر افراسیاب و همسر سیاوش است.

آمد. رستم بسیار کوشید که اسفندیار را از اجرای فرمان پدر منصرف سازد، اما موفق نشد؛ لذا جنگ میان آن دو در گرفت. چون اسفندیار رویین تن بود، رستم نتوانست او را شکست دهد. لذا با راهنمایی سیمرغ تیری از چوب درخت گز بر چشم او (تتها جایی از بدنش که رویین نبود) زد و اسفندیار را کشت. پس از کشته شدن اسفندیار، بهمن پسر او به سیستان لشکر کشید. او عده زیادی را کشت و همه جا را ویران ساخت. رستم نیز به دست برادر نادان و حسود خود کشته شده بود. رستم پهلوان بزرگ ایران سرنوشتی تلخ یافته بود. او در چاهی که برادرش بر سر راهش کنده بود، افتاد و کشته شد. پیش از آن نیز در نبردی که با پسرش سهراب انجام داده بود، او را به قتل رساند زیرا سهراب را از کودکی ندیده بود و نمی دانست که با پسر خود می جنگد. پس از آن که سهراب به قتل رسید، رستم متوجه شد فرزند خود را کشته است. رستم از این مصیبت سخت به ناله افتاد و دلشکسته شد.

پس از بهمن، خواهرش همای به پادشاهی رسید و پس از او پسرش «دارا»ی بزرگ پادشاه شد. او در دریاها فتوحات بسیار کرد. سپس پسرش که او نیز دارا نام داشت بر تخت نشست. در زمان دارا، اسکندر به ایران حمله کرد. او دارا را کشت و ایران را تصرف کرد. با کشته شدن دارا سلسله کیانیان نیز به پایان رسید.

کاربرد حماسه‌ها و افسانه‌ها در تاریخ

مهم‌ترین موارد کاربرد افسانه‌ها و حماسه‌ها در مطالعات تاریخی عبارتند از:

۱- پیدایش بسیاری از آیین‌ها، رسوم، اعیاد، بنای شهرها، استفاده از ابزارها، فنون و ... در افسانه‌ها بیان شده است. مثل عید نوروز و کشف آتش. در حقیقت ریشه و بنیان بسیاری از پدیده‌ها تنها با استفاده از افسانه‌ها قابل شناسایی و مطالعه است.

۲- بسیاری از اخبار و اطلاعاتی که در تاریخ گم‌شده یا مورخان به آنها دسترسی ندارند، در افسانه‌ها و حماسه‌ها قابل کشف و استفاده است. در حقیقت افسانه‌ها و حماسه‌ها بسیاری از کمبودها و خلأهای دانش تاریخی بشر را تکمیل می‌کنند. مثلاً از نام لهراسب، گشتاسب و تعدادی دیگر که در نامشان کلمه «اسب» وجود دارد، به وجود خاندانی موسوم به «اسب» در تاریخ ایران بی برده‌اند. از آن‌جا که اسب وجه مشخصه

اقوام آریایی در هنگام ورود به ایران بوده است، با استفاده از تحقیقات دربارهٔ این خاندان، تا حدودی ابهامات این قسمت از تاریخ ایران برطرف شده است.

۳- چنان که پیش‌تر هم اشاره شد، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مطالعه دربارهٔ افسانه‌ها و حماسه‌ها، اسطوره‌شناسی تطبیقی است. اسطوره‌شناسی تطبیقی اطلاعات فراوانی در مورد روابط اقوام و ملل، چگونگی جدا شدن آنها از یکدیگر، مبادلات فرهنگی میان آنها، تحول زبان‌ها و دگرگونی فرهنگ‌ها به دست داده است. مثلاً دیو در ایران با دئوس در هند و زئوس در یونان از یک ریشه بوده‌اند که این نشان می‌دهد ایرانی‌ها، هندی‌ها و یونانی‌ها ریشهٔ قومی مشترک دارند که به آنها هند و اروپایی (آریایی) می‌گویند.

۴- افسانه‌ها و حماسه‌ها علاوه بر آن که بردارندهٔ اطلاعات تاریخی، ادبی و اجتماعی فراوانی دربارهٔ ملت‌ها هستند؛ طرز فکر، روحیات، آرمان‌ها و به‌طور کلی خصوصیات روحی و معنوی آنها را نشان می‌دهند. به همین جهت یکی از عرصه‌های مهم شناخت هویت ملت‌ها، مطالعه در افسانه‌ها و حماسه‌های آنهاست.

اندک، شاخ و برگ می‌دهند و اشخاص یا وقایع را به سمبل‌ها تبدیل می‌کنند. بنابراین در استفادهٔ تاریخی از آنها باید شاخ و برگ‌ها را کنار زد و هر چه بیشتر به واقعیت نزدیک شد. در این حالت است که می‌توان به آگاهی‌هایی از تاریخ دست یافت. مثلاً حتی اگر شخصی به نام کیومرث هم وجود نداشته، او سمبل دورهٔ زندگی کوه‌نشینان انسان در تاریخ است.

حماسه‌ها بیشتر به ارائهٔ تاریخی آرمانی می‌پردازند، یعنی بیش از آن که تاریخ بسازند، تاریخ ملت‌ها را در قالبی مطابق با آرمان‌ها و آرزوهایشان در می‌آورند. بدین ترتیب در افسانه‌ها و حماسه‌ها امکان جعل، غلتیدن در دامان توهم، آلودگی به خرافات، مواجهه با شرک و کفر، در هم آمیختگی فرهنگ‌ها، فرورفتن در تعصبات، پیروی از اهداف و اغراض، اغراق‌گویی و قوم‌پرستی همواره وجود دارد. لذا کسانی که به تحقیق دربارهٔ افسانه‌ها و حماسه‌ها می‌پردازند، لازم است با بینش علمی و دانشی غنی بدین کار مشغول شوند. لازم است آنان با دقت، حوصله، نگرش عمیق توأم با جامع‌نگری و به کارگیری علوم و فنون مختلف در این راه گام بردارند.

علوم مرتبط با افسانه‌ها و حماسه‌ها

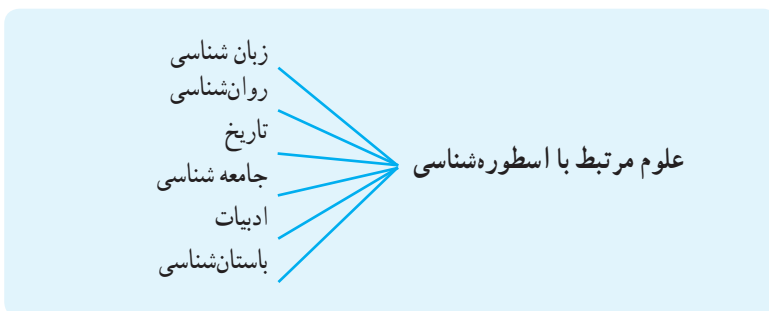
کسانی را که به مطالعه دربارهٔ افسانه‌ها و حماسه‌ها (اسطوره‌ها) می‌پردازند، اسطوره‌شناس می‌نامند. آنان پس از سال‌ها تحقیق موفق به

درجهٔ اعتبار و ضعف افسانه‌ها در تاریخ‌نویسی

گرچه افسانه‌ها به تکمیل دانش تاریخی ما کمک می‌کنند، اما بنا به دلایلی که قبلاً شرح داده شد، توأم با تخیل هستند و یا به اطلاعات

سروکار دارند. زیرا کتاب‌های ادبی گاه از ماجراهای اساطیری تأثیر می‌پذیرند. کتاب‌های افسانه‌ای و حماسی به یک معنی کتاب‌های ادبی هستند. زبان‌شناسی (زبان‌های باستانی) نیز چون امکان خواندن کتاب‌ها و کتیبه‌ها و اسناد قدیمی را فراهم می‌سازد، به مضامین افسانه‌ای و حماسی می‌پردازد. مورخان نیز به دلیل احاطه بر ادوار تحول فرهنگی و اجتماعی بشر به تحقیق دربارهٔ افسانه‌ها و حماسه‌ها می‌پردازند. باستان‌شناسان نیز با کشفیات خود کمک‌های فراوانی به اسطوره‌شناسی کرده‌اند.

رسیدن به چنین مرتبه‌ای شده‌اند. اسطوره‌شناسان با دیدگاه‌های متفاوتی به اسطوره‌ها می‌نگرند؛ بعضی براساس زبان‌شناسی، یا روان‌شناسی، یا جامعه‌شناسی، عده‌ای از دید تاریخی. به همین نحو نتایج مطالعات اسطوره‌شناسی نیز برای علوم گوناگونی چون تاریخ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، ادبیات و غیره کاربرد دارد. به همین دلیل اگر چه در دانشگاه‌ها رشتهٔ خاصی در مورد اسطوره‌شناسی وجود ندارد، امروزه این علم اهمیت زیادی یافته است. متخصصان ادبیات نیز، با اسطوره‌شناسی



- ۱- آیا افسانه‌ها صرفاً زادهٔ پندار و خیال هستند؟ توضیح دهید.
- ۲- مسائل مشکل آفرین در فرهنگ شفاهی را توضیح دهید.
- ۳- حماسه چیست و چه تفاوتی با افسانه دارد؟
- ۴- کاربرد افسانه‌ها و حماسه‌ها در تحقیقات تاریخی از چه جهاتی است؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- در محل زندگی شما دربارهٔ کوه، رود، ستاره‌ها و... چه داستان‌هایی وجود دارد؟ یک مورد آن را گزارش کنید.
- ۲- برای تجربه کردن تأثیر نقل قول‌های مکرر در تغییر اخبار (یک کلاغ چهل کلاغ) سه تن از دانش‌آموزان را انتخاب کنید و از آنها بخواهید به خارج از کلاس بروند. سپس داستانی را که کمی مفصل باشد به‌طور دقیق برای دانش‌آموزان حاضر در کلاس بیان کنید. پس از آن یکی از دانش‌آموزان (از سه نفر) را به کلاس بخواهید تا یکی از دانش‌آموزان حاضر در کلاس داستان را برایش بگوید. در هیچ مرحله‌ای، دیگر دانش‌آموزان نباید تذکری بدهند یا نکته‌ای را تصحیح کنند. سپس دانش‌آموز دوم را به کلاس بخواهید و توسط نفر اول (وارد شده به کلاس) داستان را برایش تعریف کنید. بعد دانش‌آموز سوم را بخواهید تا دانش‌آموز دوم برایش داستان را بگوید. در پایان از دانش‌آموز سوم بخواهید آنچه را شنیده برای همهٔ دانش‌آموزان نقل کند. آیا آنچه شما برای دانش‌آموزان تعریف کرده‌اید با آنچه نفر سوم تعریف کرد، یکی است؟
- ۳- برداشت‌های خود را از تاریخ افسانه‌ای ایران که در «بیشتر بدانید» این درس آمده است، در چند سطر بنویسید.
- ۴- یکی از داستان‌های شاهنامهٔ فردوسی را انتخاب کرده و با راهنمایی دبیر خود نکات تاریخی آن را براساس آنچه که در درس تاریخ ایران و جهان (۱) دربارهٔ تاریخ ایران خوانده‌اید، بررسی و مقایسه کنید.

آثار باستانی، مرز تاریخ و روشن تاریخ



تمامی مسائل مربوط به این دوره پنج هزار ساله را شامل نمی‌شوند. چرا که بیشتر در بردارنده وقایع مهم سیاسی - نظامی و زندگانی اشخاص برجسته هستند. از این جاست که بشر باید به دنبال راه‌های دیگری برای تکمیل دانش تاریخی خویش باشد. یکی از مهم‌ترین این راه‌ها مطالعه آثار مادی به جامانده از انسان‌های گذشته است که اصطلاحاً «آثار باستانی» یا «آثار تاریخی»

انسان طی هزاران سال زندگی بر روی زمین، کارهای فراوانی انجام داده و حوادث بی‌شماری را از سر گذرانده است، اما همه اطلاعات و اخبار مربوط به آنها به دست ما نرسیده است. نوشته‌های قدیمی نیز تنها بخشی از گذشته بشر را برای ما روشن می‌کنند. به علاوه عمر این گونه دانستنی‌ها به زحمت تا پنج هزار سال می‌رسد. کتاب‌های تاریخی نیز

نامیده می‌شوند.^۱ در این درس با چگونگی استفاده از این آثار در مطالعات تاریخی آشنا می‌شوید.

آثار باستانی

در اختیار ما می‌گذارند. برای مثال یک بنای تاریخی فقط توده‌ای از سنگ، گل، گچ، چوب و فلز نیست؛ بلکه همچون کتابی است که اندیشه، هنر، علم، دین و در یک کلام تمدن و فرهنگ سازندگان آن را به ما معرفی می‌کند. دست یافتن به چنین درکی از آثار باستانی نیازمند داشتن دانش‌ها و مهارت‌های خاصی است که اصطلاحاً به آنها «باستان‌شناسی» گفته می‌شود.

باستان‌شناسی و باستان‌شناسان

باستان‌شناسی علمی است که در آن آثار به جامانده از انسان‌های گذشته، شناسایی و مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. به کمک این علم است که یک بنا یا شیء معمولی مربوط به گذشته تبدیل به گنجینه‌ای از اطلاعات تاریخی می‌شود و مورخان این امکان را می‌یابند تا پاسخ بعضی از پرسش‌ها و ابهامات خویش را بیابند. اهمیت این موضوع تا آنجا است که برخی صاحب‌نظران نقش یافته‌های باستان‌شناسی در مطالعه گذشته انسان را همانند کتاب‌ها و اسناد تاریخی دانسته‌اند.

آثار باستانی به بناهای تاریخی، مجسمه‌ها، فسیل‌های انسانی، اشیاء، سنگ نبشته‌ها و به طور کلی همه آثار که ساخته دست و اندیشه انسان‌های گذشته هستند و یا به نحوی با زندگی او ارتباط دارند^۲ گفته می‌شود.

بدین ترتیب نسخه‌های خطی یا اسناد کهن نیز گذشته از محتوای آنها، اثری تاریخی محسوب می‌شوند که می‌توان به کمک آنها دانستنی‌هایی دربارهٔ مواردی چون کاغذسازی، نوع خط و شیوه نگارش و جنس مرکب در عصر نوشته شدن آنها پی برد.

آثار باستانی بیشتر در جاهایی که سکونت‌گاه و یا مسیر آمد و رفت انسان بوده‌اند، یافت می‌شوند. اگر هر یک از ما از دیدگاه باستان‌شناسی به محیط روستا، شهر، یا کشورمان بنگریم، می‌توانیم نمونه‌های بسیاری از این آثار را شناسایی کنیم. این آثار چشم‌اندازی ملموس و بی‌واسطه از چگونگی زندگی گذشتگان را

۱- در مورد نام‌گذاری آثار باقی مانده از گذشته، شیوه یکسانی وجود ندارد و تعریف‌های مربوط به آنها براساس دیدگاه‌های گوناگون و نیز دوره‌های زمانی مختلف، متفاوت است. مثلاً عده‌ای همه آنها را آثار باستانی می‌نامند، اما عده‌ای دیگر فقط آثاری را «باستانی» می‌نامند که متعلق به دوره‌های قدیمی‌تر زندگی انسان هستند. بر این اساس آثار دوره‌های بعدی با نام‌هایی چون «آثار تاریخی»، «آثار اسلامی»، «آثار رومی» و ... نام‌گذاری می‌شوند. در این درس عبارت‌های آثار باستانی یا آثار تاریخی برای اشاره به همه آثار به جا مانده از انسان‌های گذشته به‌طور یکسان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲- در این معنی آثاری مانند بقایای انسانی و حیوانی هم چنانچه در محیط زندگی انسان یافت می‌شوند، اهمیت باستان‌شناختی پیدا می‌کنند.

در روستا، شهر یا استان محل زندگی شما چه آثار تاریخی مهمی وجود دارد؟
جدول زیر را درباره آنها تکمیل کنید:

نام اثر	محل قرار گرفتن اثر	دوره زمانی مربوط به اثر

مراحل کار باستان‌شناسی

به‌طور کلی مراحل فعالیت باستان‌شناسان شامل موارد زیر می‌شود:

۱- مرحله کشف و شناسایی مکان‌ها و آثار

۲- مرحله کاوش و حفاری

۳- مرحله استخراج و تنظیم اطلاعات

در مرحله کشف و شناسایی باستان‌شناسان با استفاده از شواهد و ابزارهای مختلف اقدام به شناخت آثار می‌کنند. بدیهی است که برخی آثار مانند بناهای تاریخی یا ویرانه‌های آنها به آسانی قابل شناسایی هستند، اما بخش مهمی از آنها در معرض دید مستقیم انسان نیستند. به همین جهت باستان‌شناسان از شیوه‌هایی چون مراجعه به منابع نوشتاری (مثل کتاب‌های تاریخی و سفرنامه‌ها) و

توسعه فعالیت‌های باستان‌شناسانه در دو قرن اخیر و پی بردن به اهمیت و حساسیت‌های ویژه این کار موجب شده تا رشته‌ای به نام «باستان‌شناسی» در بعضی دانشگاه‌ها تأسیس شود. دانشجویان این رشته درباره چگونگی شناسایی و کشف آثار، تعیین سن آنها، فنون حفاری و کاوش، شناخت دوران‌های تاریخی و ویژگی‌های هر دوره و مواردی از این قبیل آموزش می‌بینند. بخش مهمی از کار آنان نیز مربوط به حضور در محوطه‌های تاریخی و انجام فعالیت‌های عملی می‌شود. از آن‌جا که آثار مورد مطالعه باستان‌شناسان و شیوه‌های کار آنان بسیار متنوع می‌باشد، آنها از دستاوردهای علوم دیگر نظیر زمین‌شناسی، شیمی، فیزیک، زیست‌شناسی و جغرافیا نیز بهره می‌گیرند.

عکس برداری به کمک دوربین‌های بسیار قوی، می‌توان بدون حفاری وجود آثار در دل زمین را اقدام می‌کنند. به کمک بعضی از این دوربین‌ها تشخیص داد.



کتیبه روزت^۱



گاهی اوقات نیز ممکن است یک اثر باستانی به‌طور تصادفی شناسایی شود. برای مثال در آخرین سال قرن هجدهم میلادی (۱۷۹۹) یعنی زمانی که مصر به اشغال ارتش ناپلئون درآمد بود، یک سرباز فرانسوی در حین حفر سنگر به سنگ نوشته‌ای برخورد که بعداً معلوم شد یکی از مهم‌ترین آثار مصر باستان و جهان است. این اثر همان کتیبه سه زبانه رشید یا روزت بود که در کتاب تاریخ ایران و جهان (۱)، مطالبی درباره آن خواندید.

از آنجا که مطالب موجود در کتیبه روزت (رشید) علاوه بر خطوط مصری با ترجمه یونانی همراه بود، باستان‌شناسان با استفاده از آن توانستند به رموز خط مصریان باستان پی ببرند.

کاوش و حفاری برای یافتن آثاری صورت می‌گیرد که در ویرانه‌ها یا درون زمین پنهان هستند. این مرحله یکی از مراحل حساس و مهم در کار باستان‌شناسی است که در آن دانش و تجربه لازم است کوچک‌ترین آثار گردآوری و تمام باستان‌شناس محک زده می‌شود. زیرا آنچه یک باستان‌شناس در حین حفاری می‌بیند و می‌آزماید، تکرارپذیر نیست و به همین جهت

۱- کتیبه روزت یا رشید امروزه در کشور انگلستان نگهداری می‌شود.



جزئیات با دقت ثبت و گاه عکس برداری شوند.^۱ به دلیل همین حساسیت‌هاست که یکی از باستان‌شناسان معتقد بود «در مواقعی که حفاری منجر به از بین رفتن آثار می‌شود، بهتر است از انجام آن خودداری شود.»^۲

سرانجام آن که در مرحله استخراج و تنظیم اطلاعات باستان‌شناسان به کارهایی مانند تاریخ‌گذاری آثار، شناسایی مواد به کار رفته در آنها و ارائه آگاهی‌های تاریخی براساس آنها می‌پردازند.

پیچیده‌ای هستند؛ اما در اینجا فقط به معرفی کلی آنها بسنده می‌شود.

تعیین سن آثار باستانی

۱- استفاده از شواهد نوشتاری :
بر روی بعضی از بناها، ظروف و سایر اشیای تاریخی نوشته‌هایی وجود دارد که گاه شامل توضیحاتی دربارهٔ زمان ساخت و نیز سازندهٔ آنها می‌باشند. گاهی هم در میان آثار به‌دست آمده در یک محل آثار نوشتاری مانند لوحه یا سکه یافت می‌شود که به کمک آنها می‌توان زمان مربوط به آن آثار را تعیین کرد. این امکان نیز وجود دارد که در نوشته‌های مورخان، جغرافی‌دانان، سیاحان و مسافران و دیگر نوشته‌های قدیمی دربارهٔ یک اثر (مثلاً یک بنا یا وسایل و ابزارهای مورد استفاده در زمانی خاص) مطلبی نوشته شده باشد. به این ترتیب

یکی از کارهای مهم و در ضمن پیچیده و فنی در باستان‌شناسی تعیین دورهٔ زمانی است که یک اثر بدان تعلق دارد. همچنان که در درس دوم خواندید «زمان» در مطالعات تاریخی نقشی محوری دارد و بنابراین تا هنگامی که زمان مربوط به یک اثر تاریخی شناخته نشود، مورخان نمی‌توانند از آگاهی‌های به دست آمده از آن اثر استفاده کنند. سالیابی یا تاریخ‌گذاری آثار با استفاده از روش‌ها و ابزارهای گوناگونی انجام می‌شود که در ادامه با تعدادی از مهم‌ترین آنها آشنا می‌شوید. لازم است به این نکته توجه شود که هر یک از روش‌های زیر دارای مراحل، محاسبات و نکات فنی دقیق و

۱- برای مثال گاهی مواقع با الک کردن یا شستن خاک محل کاوش، ریزه‌های آثار جمع‌آوری می‌شوند. همچنین ممکن است بعضی آثار که دچار تجزیهٔ شیمیایی شده‌اند در اثر لمس شدن یا کوچک‌ترین ضربه‌ای متلاشی شوند.

۲- این سخن از اسکار منتلیوس (Oscar Montelius) باستان‌شناس سوئدی است.

باستان‌شناسان می‌توانند به کمک این نوشته‌ها زمان اثر مورد نظر را تعیین کنند.

۲- سال‌یابی به روش کربن ۱۴: این روش یکی از مشهورترین روش‌های مورد استفاده باستان‌شناسان است که در اواسط قرن بیستم ابداع شده است. کربن ۱۴ عنصری است که بر اثر فعل و انفعالات انجام شده بین اتم‌های نیتروژن و پرتوهای کیهانی در سطوح بالایی جو زمین به وجود می‌آید. این کربن پس از چندی در طبیعت پراکنده می‌شود. گیاهان از طریق عمل فتوسنتز، انسان‌ها و حیوانات از راه تغذیه، مقداری از کربن ۱۴ را جذب می‌کنند. همچنین ممکن است مقداری از آن جذب مواد دیگر از قبیل سنگ‌ها یا فلزات شود. این عنصر با گذشت زمانی نسبتاً طولانی اما مشخص، دوباره به نیتروژن تبدیل می‌شود. تا زمانی که یک موجود زنده (مثل گیاه) به حیات خود ادامه می‌دهد فرایند جذب کربن ۱۴ و تبدیل آن تکرار می‌شود. اما هنگامی که این

موجود می‌میرد، جذب کربن ۱۴ متوقف می‌شود؛ در حالی که روند تبدیل آن به نیتروژن ادامه دارد. دانشمندان دریافته‌اند که تجزیه کربن ۱۴ با سرعت زمانی معین و منظمی انجام می‌شود. از نظر آنان حدود ۵۷۰۰ سال طول می‌کشد تا میزان کربن ۱۴ موجود در بقایای یک موجود دارای این کربن نصف شود. سپس در همین مدت، نیمه باقی مانده آن نیز نصف می‌شود و این روند همچنان ادامه می‌یابد تا این که کربن ۱۴ تمام می‌شود. دانشمندان این دوره زمانی ثابت (حدود ۵۷۰۰ سال) را اصطلاحاً «نیمه عمر» کربن ۱۴ نامیده‌اند. هرگاه مقدار کربن ۱۴ موجود در بقایای به دست آمده در کاوش‌های باستان‌شناسی با مقدار آن در نمونه‌ای زنده از آن نوع مقایسه شود، معلوم خواهد شد که آن بقایا چند دوره ۵۷۰۰ ساله را از سر گذرانده‌اند. دوره زمانی که می‌توان از روش کربن ۱۴ برای تعیین سن آثار استفاده کرد، حداکثر تا حدود ۷۰ هزار سال است.



کفن تورین

در سال ۱۳۸۰ م. یک اسقف مدعی شد پارچه‌ای در شهر تورین ایتالیا به دست آمده که کفن حضرت عیسی (ع) است. این ادعا همچنان وجود داشت تا اینکه در دهه ۱۹۸۰ میلادی عملیات سال‌یابی به روش کربن ۱۴ بر روی این پارچه به طور همزمان در سه آزمایشگاه در کشورهای مختلف انجام گرفت و مشخص شد که پارچه متعلق به سال‌های بین ۱۲۶۰ تا ۱۳۸۰ م. است. یعنی حدود ۱۳۰۰ سال بعد از دوران زندگانی عیسی (ع)!

۳- سال‌یابی پتاسیم - آرگون : از

این روش برای شناسایی سن آثار باستانی چند صد هزار تا چند میلیون سال استفاده می‌شود. پتاسیم عنصری است که در پوسته زمین و به‌ویژه سنگ‌های آتشفشانی به فراوانی یافت می‌شود. با گذشت زمان به تدریج مقداری از این پتاسیم در فرایندی شبیه به آنچه درباره کربن ۱۴ گفته شد (با دوره زمانی بسیار طولانی‌تر)، به گاز آرگون تبدیل و در منافذ سنگ‌ها محبوس می‌شود. هرگاه غلظت پتاسیم و آرگون موجود در یک نمونه سنگ قدیمی اندازه‌گیری و با میزان آن در طبیعت مقایسه شود، امکان تعیین سن تشکیل آن سنگ فراهم می‌شود. بدین ترتیب اگر فسیل‌های انسانی یا سایر آثار در لایه‌های سنگی یا نزدیک آنها یافت شوند، می‌توان از این روش برای تعیین سن آنها استفاده کرد. قدیمی‌ترین اجساد انسانی به دست آمده در قاره آفریقا با قدمت ۲/۵ تا ۴ میلیون سال با همین روش تاریخ‌گذاری شده‌اند.

علاوه بر کربن ۱۴ و پتاسیم باستان‌شناسان و دیرینه‌شناسان با تجزیه و تحلیل عناصر دیگر نظیر اورانیم هم به سال‌یابی می‌پردازند.

۴- تعیین سن براساس حلقه‌های تنه

درختان : اگر به برش عرضی یک تنه درخت کهن سال توجه کنید، حلقه‌های تودرتوی متعددی را در آن می‌بینید. گیاه‌شناسان دریافته‌اند که هر یک از این حلقه‌ها به‌طور معمول در طی یک سال

به‌وجود آمده‌اند. نکته‌ای که در تعیین سن اهمیت دارد این است که پهنای حلقه‌های مربوط به هر سال با بقیه متفاوت است. تعیین سن براساس حلقه‌های درختان با تهیه نمودارهای نمونه برای درختان هر ناحیه (درختان تازه بریده شده و درختان بریده شده در دوره‌های قبل)، همراه با محاسباتی خاص انجام می‌گیرد. برای مثال اگر نموداری از حلقه‌های یک نوع درخت در یک منطقه در مدت ۵۰۰ سال تهیه شود، می‌توان با تطبیق پهنای حلقه‌های یک قطعه چوبی مربوط به گذشته از جنس همان درخت، با پهنای حلقه‌ها در نمودار مذکور، سن آن را تعیین کرد. امروزه با استفاده از ابزارهای دقیق و پیشرفته و از جمله تکنیک‌های رایانه‌ای بر سرعت و دقت این روش افزوده شده است.

باستان‌شناسان از این روش برای تعیین سن آثاری که در آنها به نحوی از چوب استفاده شده باشد، بهره می‌گیرند. خانه‌های چوبی یا بناهایی که در آنها از چوب استفاده شده، کشتی‌های قدیمی، ابزارهای چوبی و حتی تابلوهای نقاشی که بوم آنها از چوب است، از این جمله‌اند. برای مثال درباره یکی از تابلوهای رامبراند که متعلق به قرن هفدهم میلادی است، مدت‌ها اختلاف نظر وجود داشت، تا این که با سال‌یابی بوم چوبی آن مشخص شد که این زمان تقریباً درست است.

کاربرد مطالعات باستان‌شناختی در تاریخ‌نویسی

که انسان هنوز نوشتن را نیاموخته بود و بنابراین اثری نوشتاری نیز از او به جا نمانده است، آثار باستانی مهم‌ترین منبع کسب آگاهی هستند. به عبارت دیگر تاریخ‌نویس باستان‌شناس در این دوران را باید در لابه‌لای آثار جست‌وجو کرد. آنچه که ما دربارهٔ اعصاری مانند عصر سنگ، عصر مس، عصر مفرغ و نظایر آنها می‌دانیم، همچنان که از نام آنها برمی‌آید، به کمک آثار انسانی به دست آمده است. در واقع با استفاده از دستاوردهای باستان‌شناختی است که آگاهی مورخان و ما به ده‌ها، صدها، هزارها و گاه میلیون‌ها سال رسیده است. زیرا چنان‌که قبلاً گفتیم عمر نوشته‌های تاریخی به زحمت تا چند هزار سال می‌رسد.

حتماً تاکنون متوجه شده‌اید که مورخان برای بازسازی کامل‌تر زندگی انسان‌های گذشته نیازمند توجه به آثار تاریخی و نتایج کار باستان‌شناسان بر روی آنها هستند. هر چه به گذشته‌های دورتر می‌رویم و دسترسی ما به سایر منابع (کتاب‌های تاریخی و دیگر منابع نوشتاری) کمتر می‌شود، اهمیت آثار تاریخی در بازسازی گذشته بیشتر می‌شود. برای شناخت بهتر کمک‌های باستان‌شناسی به تاریخ‌نگاری بحث را دربارهٔ دو دوره پیش از تاریخ و دورهٔ تاریخی زندگی بشر جداگانه پی می‌گیریم. دربارهٔ دوران پیش از تاریخ یعنی دوره‌ای



باستان‌شناسان در همایش‌های علمی حاصل‌کاو‌ش‌های خود را به صورت مقاله یا سخنرانی ارائه می‌کنند.

شهر سوخته، بهشت باستان‌شناسان

یک نمونه مهم از اهمیت آثار باستانی در شناخت تاریخ ایران را در منطقه‌ای در نزدیکی زابل می‌توان مشاهده کرد که «شهر سوخته» نامیده شده است. این شهر که در هزاره چهارم پیش از میلاد (حدود شش هزار سال پیش) آباد بوده، در هزاره سوم پیش از میلاد به دلایلی که هنوز کاملاً شناخته نیست، رونق و آبادانی خود را از دست داده است. در نوشته‌های تاریخی تا اواسط قرن بیستم هیچ‌گونه آگاهی تاریخی درباره این شهر و مردم آن وجود نداشت اما امروزه در اثر حدود نیم قرن تلاش باستان‌شناسان و کشف هزاران شیء تاریخی آگاهی‌های بسیاری درباره این شهر به دست آمده و مشخص شده است که ساکنان این شهر دارای تمدنی درخشان و برجسته در جهان آن زمان بوده‌اند. لوله‌های سفالی (برای انتقال آب و فاضلاب)، چرخ، مهرهای تجاری، زیورآلات ظریف و مجسمه جراحی شده یک کودک از جمله آثار به دست آمده در این منطقه هستند. باستان‌شناسان می‌گویند وسعت محوطه باستانی شهر سوخته و گستردگی آثار موجود در آن به حدی است که کشف و شناسایی آنها ده‌ها سال دیگر نیز طول خواهد کشید.



بخشی از گورستان شهر سوخته

۱- از جمله دلایل ذکر شده در این مورد می‌توان به تغییر مسیر رود هیرمند، حمله اقوام مهاجم و آتش‌سوزی اشاره کرد.

ما نشان می‌دهد. از سوی دیگر همواره این امکان هست که یافته‌های باستان‌شناسان بعضی اطلاعات تاریخی موجود را رد یا تصحیح کنند. برای نمونه تا قبل از کشف آثار مربوط به دوره اشکانیان و مطالعه بر روی آنها، تاریخ این سلسله ایرانی در هاله‌ای از ابهامات و اخبار نادرست قرار داشت.

جنبه دوم کمک آثار باستانی به شناخت دوران تاریخی زندگی انسان، به تأثیر آنها در تکمیل دانش تاریخی مورخان مربوط است. کتاب‌های تاریخی در بعضی زمینه‌ها همچون زندگی روزمره مردم، وضع هنر و صنعت و ارتباط‌های تمدنی ملت‌ها با یکدیگر دانستنی‌های زیادی در اختیار ما نمی‌گذارند. در عوض مطالعه بر روی آثار نظیر ابزارها، بناها، سکه‌ها، نقوش، ظروف و امثال آنها در این موارد راه‌گشاست. نظیر آثار دوره اشکانی که در شهر نسا (در ترکمنستان امروزی) یافت شده است.

درباره دوران تاریخی زندگی انسان نیز اگرچه به تدریج منابع نوشتاری اهمیت بیشتری می‌یابند، اما این موضوع موجب غفلت مورخان از توجه به نتایج فعالیت‌های باستان‌شناسان نمی‌شود. در بررسی دوران تاریخی زندگی انسان توجه به آثار باستانی از دو جنبه به مورخان کمک می‌کند:

۱- تأیید یا رد آن چه در نوشته‌های تاریخی وجود دارد.

۲- روشن ساختن مسائلی از تاریخ که در منابع نوشتاری نیست و یا بسیار کم به آنها توجه شده است.

در مورد نخست، آثار تاریخی می‌توانند با تأیید نوشته‌های مورخان و دیگر نویسندگان گذشته بر یقین ما بیفزایند. مثلاً اگر در تاریخ چین بارها از هجوم اقوام شمالی به این کشور سخن به میان آمده، وجود دیوار چین به عنوان یک اثر تاریخی ضمن تأیید این موضوع، اهمیت آن را نیز بیشتر به



دیوار بزرگ چین از جمله مهم‌ترین آثار تاریخی جهان است.

آیا نمونه‌های دیگری از نقش مهم آثار باستانی در روشن شدن زوایای پنهان تاریخ ایران یا جهان می‌شناسید؟ دربارهٔ آنها در کلاس بحث کنید.



ملاحظات مورخان در استناد به آثار تاریخی

اگرچه آگاهی‌های به دست آمده از بررسی‌های باستان‌شناسی برای مورخان روشنی بخش هستند، اما باید توجه داشت که همه اطلاعاتی که دربارهٔ آثار ارائه می‌شوند، دارای ارزش یکسان نیستند و چه بسا اعتماد به بعضی از آنها موجب دوری مورخ از واقعیت شود. برای جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی توجه به چند نکته ضروری است:

۱- اطلاعات تاریخی در مورد یک اثر باید از سوی افراد متخصص (در باستان‌شناسی) تأیید شود. آنچه یک فرد غیرمتخصص با حدس و گمان دربارهٔ آثار تاریخی می‌داند با اطلاعات ارائه شده توسط یک باستان‌شناس معمولاً تفاوت‌های قابل توجهی دارد.

۲- این امکان هست که افراد یا مراکزی با انگیزه‌های سودجویانه (کسب درآمد یا تحریف تاریخ) و یا از سرناآگاهی اشیای جعلی را به عنوان اثر تاریخی مربوط به یک دوره معرفی کنند. بدیهی است که هرگونه استناد به این گونه موارد به معنی انحراف از واقعیت تاریخی است.

۳- نتایج حاصل از تحقیقات باستان‌شناسی مانند بسیاری دیگر از یافته‌های تاریخی تنها تا

زمانی معتبر هستند که یافته‌های باستان‌شناسی و تاریخی جدیدتر آنها را نقض نکرده باشند. بنابراین مورخ باید همواره از آخرین اطلاعات مربوط به اثر مورد استناد خود، آگاه باشد.

حفظ آثار باستانی به عنوان مدارک تاریخی

پس از کشف یا شناسایی یک اثر تاریخی بلافاصله تلاش برای نگهداری و در صورت نیاز مرمت آن مطرح می‌شود. دست‌اندرکاران حفظ و مرمت آثار معمولاً آنها را به دو دسته «قابل انتقال» و «غیرقابل انتقال» تقسیم‌بندی می‌کنند. آثار منقول

زلزله)، ترمیم خرابی‌های آنها و نگهداری آنها در مکان‌های امن و مناسب از نظر دما و نور اشاره کرد. انجام هر یک از این کارها نیازمند دانش، دقت و سرمایه کافی است. برای مثال در بازسازی بناها طوری عمل می‌شود که ضمن افزودن بر عمر و استحکام آنها، هویت تاریخی و حقیقی آنها نیز آسیب نبیند. برای انجام این امور و سایر امور مربوط به آثار باستانی در همه کشورهای جهان مؤسسه‌ها یا سازمان‌هایی تأسیس شده‌اند که توصیه می‌شود هر اثر یافت شده‌ای در اختیار آن مؤسسه یا سازمان قرار داده شود. در کشور ما مسئولیت این امور بر عهده «سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی» است.

مانند ظرف‌ها، ابزارها و سلاح‌ها به آزمایشگاه‌های باستان‌شناسی و سپس موزه‌ها برده می‌شوند و آثار غیرمنقول همچون بناها در محلی که هستند مورد مطالعه قرار گرفته و حفظ می‌شوند. البته گاهی ممکن است قسمت‌هایی از یک بنای ویران شده (مثل سرستون‌ها و گچ‌بری‌ها) نیز به موزه‌ها انتقال داده شوند.

اهمیت مراقبت از آثار باستانی کمتر از اهمیت کشف آنها نیست. چه بسیار آثاری که به دلیل کم‌توجهی در حفظ آنها به تدریج از بین رفته یا سرقت شده‌اند. برای حفظ آثار کارهای مختلفی انجام می‌شود که از جمله آنها می‌توان به ایمن‌سازی در برابر حوادث طبیعی (مثل سیل و



تصویری از مرمت یک اثر تاریخی

کشف یک تمدن کهن در جیرفت

سال ۱۳۸۰ش. برای خبرگزاری‌های سراسر جهان، با پیگیری خبرهای مربوط به آثار یافت شده در چند کیلومتری جیرفت همراه بود. بررسی این آثار (که هنوز هم ادامه دارد) نشان می‌دهد که این منطقه یکی از مراکز مهم تمدن در ایران بوده است که قدمت آن به حدود ۵ تا ۶ هزار سال می‌رسد. ابتدا این آثار توجه حفاران غیرقانونی و سارقان میراث فرهنگی را به خود جلب کرد. در نتیجه اقدامات آنان، مقداری از آثار یا نابود شد و یا از موزه‌های کشورهای دیگر سر درآورد. سپس باستان‌شناسان به کاوش و مطالعه در تپه‌های باستانی این منطقه مشغول شدند و در نتیجه فعالیت‌های آنان، آثار و آگاهی‌های تاریخی قابل توجهی به دست آمد. به دلیل وسعت محوطه



تنگ مخروطی از جنس سنگ صابونی (بلندی ۲۶/۲ سانتی‌متر) نمونه‌ای از آثار یافت شده از جیرفت که نبرد مارها و عقاب‌ها را نشان می‌دهد.

باستانی و آثار موجود در این منطقه، آنان پیش‌بینی می‌کنند استخراج آثار و شناخت کامل تمدن جیرفت مدت زیادی طول بکشد. آنان همچنین معتقدند که شناخت این تمدن می‌تواند به تکمیل یا تصحیح دیدگاه‌ها و اطلاعات موجود در مورد تاریخ ایران و خاورمیانه باستان کمک زیادی کند.

موزه‌ها، گنجینه‌های آثار باستانی
مهم‌ترین مکان نگهداری آثار و اشیای تاریخی موزه‌ها هستند که در عین حال با به‌نمایش گذاشتن آنها امکان آشنایی مستقیم همه مردم با آثار را فراهم می‌کنند.

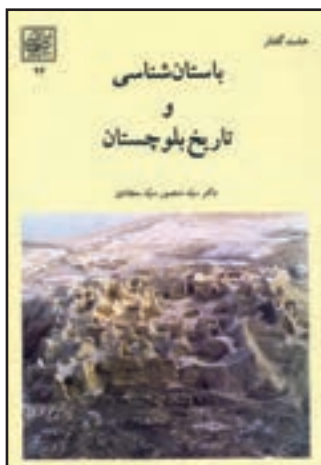


نمای درونی یکی از بخش‌های گنجینه ملی ایران. در این بخش و بخش‌های دیگر، آثار گوناگونی که طی کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده، به ترتیب زمانی قرار داده شده است.

۱- کلمه موزه از ریشه یونانی موزیون (Mouseion) گرفته شده است. در یونان قدیم، معابد رب‌النوع‌های یونانی به این نام خوانده می‌شدند. به همین جهت به مرور زمان برای هر مکانی که در آن آثار مقدس و گرانبها نگهداری می‌شد، این کلمه به کار رفته است. خواه این آثار ارزشمند مربوط به دوران گذشته و خواه مربوط به زمان حاضر باشد.

سابقهٔ تشکیل موزه‌ها برای نگهداری و نمایش آثار باستانی به قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد. تمایل ذاتی بشر به حفظ اشیای کمیاب و گرانبها، پیشرفت‌های علمی در زمینهٔ باستان‌شناسی و تاریخ، رشد احساسات ناسیونالیستی و علاقه به هویت ملی و افزایش آگاهی نسبت به اهمیت این آثار در شناخت

بهبتر زندگی گذشتگان از جمله دلایل توجه جدی جوامع و حکومت‌ها در این زمینه بود. در نتیجه همین توجه است که همواره بر تعداد و دامنهٔ کار موزه‌ها افزوده شده و امروزه تبدیل به یکی از مهم‌ترین مراکز فرهنگی در داخل هر کشور و در سطح بین‌المللی شده‌اند.^۱



نمونه‌ای از کتاب‌های تاریخی، که براساس یافته‌های باستان‌شناختی نوشته شده است.

از جمله موزه‌های بزرگ جهان می‌توان از موزه‌های «لوور»^۲ در پاریس، «بریتانیا»^۳ در لندن، «ارمیتاژ»^۴ در سن‌پترزبورگ و «متروپولیتن»^۵ در نیویورک نام برد. در ایران مهم‌ترین موزهٔ آثار تاریخی «گنجینهٔ ملی ایران» است که در تهران قرار دارد. در بسیاری از شهرهای دیگر کشور

نیز موزه‌هایی ایجاد شده و تعداد آنها دائماً در حال افزایش است. بازدید از موزه‌ها نیازمند رعایت برخی اصول و نکات است. علاقه‌مندی، دقت در جریان بازدید، داشتن وقت و حوصلهٔ کافی و داشتن اطلاعات اولیهٔ تاریخی در این مورد اهمیت دارد.

۱- رسیدگی و نظارت بین‌المللی بر امور موزه‌ها بر عهده شورای بین‌المللی موزه‌ها یا International Council Of Museums (I.C.O.M) می‌باشد که بخشی از سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) است.

۲- Louvre

۳- British Museum

۴- Ermitazh

۵- MetroPolitan

آثار باستانی و دنیای رایانه‌ای

ابداع و پیشرفت آنچه که اصطلاحاً «سواد رایانه‌ای» خوانده می‌شود، بر وضعیت آثار باستانی و رابطه انسان با آنها نیز همچون سایر عرصه‌های زندگی بشر تأثیر گسترده‌ای داشته است. امکانات رایانه‌ای از یک سو ابزارها و فنون تازه‌ای را برای انجام دقیق‌تر و سریع‌تر فعالیت‌های علمی در اختیار باستان‌شناسان قرار داده است و از سوی دیگر دسترسی همگانی به این آثار و دستاوردهای علمی مربوط به آنها را در مقیاسی وسیع و آسان ممکن ساخته است. برای مثال در مورد نخست با کمک رایانه بازسازی چهره کامل نقوش تصویری و اشیای ناقص مربوط به گذشته و همچنین انجام محاسبات آزمایشگاهی و فنی با سرعت و دقت بالاتر عملی شده است. در یک کلام می‌توان گفت که امروزه رایانه و امکانات آن ابزاری ضروری در مراحل مختلف فعالیت‌های باستان‌شناسان به شمار می‌آید. در مورد دوم نیز این امکان فراهم شده تا عموم مردم بتوانند با دسترسی رایانه‌ای به آثار تاریخی و اطلاعات علمی مرتبط با آنها در ابعادی وسیع و جهانی، هر چه بیشتر با اهمیت این آثار آشنا شوند. علاوه بر تولید سی‌دی‌های اختصاصی دربارهٔ



تصویر سایت خبرگزاری میراث فرهنگی www.chn.ir

آثار، بسیاری از موزه‌ها و مراکز مرتبط با آثار باستانی (سازمان‌های مسئول، دانشکده‌ها و ...) با ایجاد سایت‌های اینترنتی، اطلاعات و یافته‌های خود اعم از مطالب نوشتاری، تصاویر و گاه فیلم‌ها را در اختیار مراجعان قرار می‌دهند. حتی با ایجاد تورهای مجازی به آنها این امکان را داده‌اند که از داخل خانه یا محل کارشان به بازدید از یک موزه یا محوطه تاریخی بازسازی شده به صورت گرافیکی، اقدام کنند. برای آشنایی با اهمیت و ابعاد این دنیای جدید کافی است نام یا آدرس اینترنتی یک موزه یا اثر تاریخی مهم (مانند تخت جمشید یا اهرام مصر) را به رایانه خود بدهید. بدون شک از آنچه در برابر دیدگان شما ظاهر می‌شود، شگفت زده خواهید شد. در ایران، سایت سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با آدرس www.iranmiras.org از جمله سایت‌های فعال اطلاع‌رسانی علمی در این عرصه است.

- ۱- آثار باستانی (تاریخی) به چه آثاری گفته می‌شود؟
- ۲- مراحل کار در یک عملیات باستان‌شناسی را نام ببرید.
- ۳- درباره یکی از شیوه‌های سال‌یابی آثار باستانی توضیح دهید.
- ۴- آثار باستانی چگونه به شناخت بهتر دوران تاریخی زندگی انسان کمک می‌کنند؟
- ۵- مورخان در استناد به آثار تاریخی چه ملاحظاتی را باید در نظر بگیرند؟
- ۶- دلایل اهمیت یافتن موزه‌ها در قرون اخیر چیست؟

- ۱- از یک بنای تاریخی یا موزه در محلی که زندگی می‌کنید، بازدید نموده و گزارش مشاهدات خویش را به کلاس ارائه کنید.
- ۲- مجموعه‌ای از عکس‌های مربوط به آثار تاریخی تهیه و آنها را براساس موضوع یا سیر زمانی دسته‌بندی کنید.

سکه‌ها آینه گذشته‌ها

سرگذشت سکه

کهن‌ترین سکه یافته شده در جهان، متعلق به سناخریب پادشاه آشور است که در حدود ۷۰۰ سال پیش از میلاد تهیه شده است. شاید در همین حدود بود که در لودیة^۱ سکه‌هایی از جنس الکتروم^۲ ضرب شد. سکه‌هایی که کرزوس پادشاه



نمونه‌هایی از نخستین پول‌ها

سکه‌های یکی دیگر از منابع پژوهش در تاریخ هستند^۱. در این درس با چگونگی پیدایش و تکامل آنها و نیز نقشی که در پژوهش‌های تاریخی دارند، آشنا می‌شوید.

همه شما با سکه آشنا هستید. سکه پول فلزی است که می‌توان با آن چیزی را خرید. آیا تاکنون اندیشیده‌اید که این پول چگونه ساخته شده، چگونه رواج یافته و چه کسی آن را ساخته است؟ آیا تاکنون به نقش‌ها و نوشته‌های روی سکه‌ها دقت کرده‌اید؟ سکه‌شناسی علمی است که به این گونه سؤالات تا حد امکان پاسخ می‌دهد. در این درس با سکه‌شناسی و کاربرد سکه‌های قدیمی در تاریخ‌نگاری آشنا می‌شوید.

۱- اگرچه سکه‌ها از جهتی در ردیف آثار باستانی قرار می‌گیرند، اما نظر به اهمیت خاص آنها نسبت به بسیاری آثار دیگر و نیز بدان جهت که امروزه «سکه‌شناسی» علمی با مبانی خاص خود تلقی می‌گردد، در این درس به‌طور جداگانه درباره آنها بحث شده است.

۲- واقع در آسیای صغیر - دولت لودیة پیش از دوره هخامنشیان اقتدار داشت.

۳- آلیاژی طبیعی مرکب از طلا و نقره ($\frac{3}{4}$ طلا، $\frac{1}{4}$ نقره).



لودیه رواج داد به کرزوتید (کرزوسی) معروف شد. پس از فتح لودیه توسط کوروش هخامنشی سکه‌های کرزوسی در ایران رواج یافت. داریوش یکم هخامنشی سکه‌های ذریک طلا و شیکل نقره را ضرب کرد که کهن‌ترین سکه‌های ایرانی است. کشورهای دیگر جهان نیز یکی پس از دیگری اقدام به ضرب سکه کردند. در کنار رواج سکه، مؤسساتی نیز به وجود آمدند که سرمایه اضافی مردم را حفظ و به متقاضیان وام می‌دادند. این مؤسسات پس از چندی به بانک معروف شدند. در گذشته مراکزی نیز وجود داشتند که سکه‌های سرزمین‌های گوناگون را تعویض می‌کردند. به این مراکز «صرافی» گفته می‌شد که اینک نیز همچنان به فعالیت مشغول هستند. بعدها انواع دیگر پول مانند اسکانس، چک، سفته، کارت اعتباری و غیره نیز پیدا شدند. اختراع پول پس از «کشف آتش و آهن» و «اختراع چرخ و خط»، مهم‌ترین دستاورد تمدن بشری بوده است.

و هند ساخته می‌شد.

۲- روش ضرب: در این روش ابتدا فلز را به ورق‌های نازک و مسطح تبدیل می‌کردند. سپس از آن قطعاتی مدور می‌بریدند که به آن پولک می‌گفتند. پولک بدون نقش با روش قالب‌ریزی هم به دست می‌آمد. سپس با استفاده از دو قطعه فلز فولادی یا چدنی که شبیه میخ بود و به آن سرسکه یا میخ سکه گفته می‌شد و نقش مورد نظر به صورت معکوس بر روی آنها حک شده بود، پولک‌ها را منقوش می‌کردند. به این صورت که سرسکه پایینی را که نقش روی سکه را برخورد داشت در سندان قرار می‌دادند. سپس پولک تهیه شده را گرم کرده و روی سرسکه پایینی قرار می‌دادند. بعد سرسکه بالایی را روی پولک نهاده با چکش بر آن می‌کوفتند

چگونگی ساخت سکه در گذشته و حال

سکه‌ها معمولاً به دو روش ساخته می‌شوند:

۱- قالب‌ریزی، ۲- ضرب.

۱- روش قالب‌ریزی: در این روش قالب‌هایی از گِل رس یا گچ تهیه می‌شد که تصویر رو و پشت سکه بر آن نقش می‌بست. سپس قالب‌ها را به هم چسبانده و از بالا فلز ذوب شده در آن می‌ریختند، پس از سرد شدن، قالب‌ها را شکسته و سکه‌ها را از قالب بیرون می‌آوردند. این نوع سکه‌ها بیشتر در چین



ضرب سکه در ضربخانه

تا نقش سرسکه‌ها بر پولک افتد^۱. نقش سرسکه پایینی به صورت برجسته بر روی سکه می‌افتاد. در دورهٔ ما ضرب سکه با دستگاه‌های جدید و سرعت زیاد انجام می‌شود.

جنس سکه‌ها

طلا و نقره فلزاتی قالب‌پذیر و در برابر رطوبت و گرما مقاوم هستند، به همین دلیل همواره برای ضرب سکه از آنها استفاده می‌شد. سکهٔ طلا معمولاً در معاملات بزرگ و با دیگر کشورها

۱- گاه پیش می‌آمد که فرصت ضرب سکهٔ جدید نبود و یا سکه‌های معتبری به‌دست می‌آمد که به ضرب مجدد نیاز نداشت، در این صورت آنگ (مهر) کوچکی ساخته و بر گوشهٔ سکهٔ قدیمی می‌زدند. این عمل، ضرب مجدد (سورشاز) نام داشت که بر یک روی سکه انجام می‌شد. بعضی از سکه‌های شاهخ تیموری تا پنج بار ضرب مجدد شده است.

۲- سکه‌های ۲۵۰ ریالی که در کشور ما رایج است، دو جنسی هستند نه آلیاژی.

واحدهای پول

معمولاً هر سکه‌ای نامی دارد که نشانگر واحد پول کشوری است که آن سکه در آن رایج می‌باشد. این نام مانع اشتباه در شناسایی سکه می‌گردد. در دوره اسلامی به سکه طلا دینار^۱، به سکه نقره درهم^۲ و به سکه مسی فلس^۳ گفته می‌شد. نام سکه‌ها معمولاً به چند طریق انتخاب می‌شد. جدول زیر راه‌های نامگذاری سکه‌ها را نشان می‌دهد.



نمونه‌هایی از شکل‌های مختلف پول از قدیم تا کنون

ملاک‌های نام‌گذاری و نمونه‌های نام سکه‌ها

۱- لقب حاکم	مثل شاه‌ی، قران (صاحب قرانی)، ریال (سلطنتی)
۲- نام حاکم	مثل ییمینی (یمین‌الدوله محمود غزنوی)، دریک (داریوشی)، عباسی (شاه عباس صفوی)
۳- نام شهر	مثل نیشابوری، لاری، فلوری (منسوب به فلورانس)
۴- جنس سکه	مثل فضی (نقره‌ای)، آئوروس (طلایی)
۵- رنگ سکه	مثل آقچه (سفید کوچک)، پول سیاه (مسی)
۶- اجزا و اضعاف سکه	مثل ربعی (یک چهارم)، بیستی (بیست دینار)، تومان (ده هزار)
۷- نقش روی سکه	مثل تیرانداز (نقش دریک هخامنشی)

در دوره اسلامی، علاوه بر نام‌های گرفته شده با ریشه ترکی - مغولی (آقچه، تومان) هندی (مُهر)، از یونان (دینار، درهم، فلس) واحدهای پولی، نام‌هایی تنگه و اروپایی (منات، ریال، لیره) داشته‌اند.

۱- از کلمه یونانی Denarius که سکه‌ای نقره‌ای بود و در صدر اسلام برای نامیدن سکه‌های طلایی رومی به کار می‌رفت.

۲- از کلمه یونانی Drachma (دراخما) که سکه‌ای نقره بود. سکه‌های نقره ایرانی پیش از اسلام نیز درهم نام داشتند.

۳- از کلمه یونانی Folis به معنی «سکه مسی» گرفته شده بود. جمع فلس، فلوس بود که بعداً برای سکه مسی به کار رفت.

روش کار در سکه‌شناسی

سکه‌شناس در کار خود مراحل زیر را در

پیش رو دارد :

۱- یافتن : روش یافتن سکه‌ها معمولاً

روشی باستان‌شناسی است. به این ترتیب که در کاوش‌های باستان‌شناسی، به همراه دیگر آثار باستانی، گاه تعدادی سکه یا ابزارهای پولی نیز به دست می‌آید.

همچنین ممکن است به هنگام تعمیر یا تخریب بناها و یا کاوش‌های غیرمجاز، تعدادی سکه کشف گردد.

این سکه‌ها معمولاً به موزه‌ها و مراکز تحقیقاتی برده می‌شوند. سکه‌شناس خود به تنهایی به حفاری

نمی‌پردازد بلکه از نتیجه کار باستان‌شناس بهره می‌گیرد. پاره‌ای اوقات، سکه‌ها در مجموعه‌های

خصوصی نیز نگهداری می‌شوند.



یک سکه اشکانی قبل و بعد از مرمت

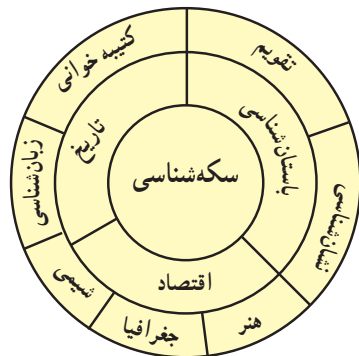
۳- طبقه‌بندی : سکه‌های شناسایی شده

براساس معیارهای تاریخی، جغرافیایی و دودمانی طبقه‌بندی می‌گردند. در ثبت مشخصات سکه اطلاعات زیر جمع‌آوری می‌گردد :

دوره ضرب سکه، حاکم ضرب کننده، جنس، وزن، قطر دایره سکه، مشخصات ویژه (ساییدگی، شکستگی، بریدگی، لحیم خوردگی، سوراخ، ضرب مجدد)، زمان ضرب، مکان ضرب، متن روی سکه، متن پشت سکه

۴- انتشار : نتایج کار سکه‌شناس پس از

طبقه‌بندی به صورت فهرست (کاتالوگ) منتشر می‌گردد تا مورد استفاده مورخان و محققان و نیز سکه‌شناسان دیگر قرار گیرد.



علوم یاری‌گر سکه‌شناسی

۲- شناسایی : از این زمان سکه شناس،

کار تخصصی خود را آغاز می‌کند و می‌کوشد سکه را شناسایی کند. او از تحقیقات دیگران و فهرست‌های سکه‌های شناسایی شده نیز بهره می‌برد.

سکه‌ها روشن می‌گردد.

۲- تاریخ اقتصادی و اجتماعی :

سکه‌ها با وزن و عیار خود، توان اقتصادی دولت‌ها، و با پراکندگی خود رواج تجارت را نشان می‌دهند. مثلاً پیدا شدن سکه یک کشور در سرزمین‌های دیگر، نشانه ارتباطات متقابل بین آنهاست. گسترش روابط تجاری نیز نشانه وجود امنیت اجتماعی است. وجود سکه‌های مسی کم‌ارزش فراوان در یک منطقه نشانه نیازمندی مردم به لوازم روزمره و عیار پایین سکه‌ها حاکی از فساد مالی حکام، ضعف ضرابخانه‌ها و ناتوانی اقتصادی است. پنهان کردن سکه‌ها در زیر زمین یا در خمرها نیز نشانگر آن است که صاحبان پول، امنیت نداشته‌اند.

۳- تاریخ مذهبی : سکه‌ها نشانگر

گرایش‌های دینی دولت‌های ضرب‌کننده آن نیز هستند. مثلاً با کمک نوشته‌های روی سکه می‌توان به شیعه یا سنی بودن یک فرمانروا پی برد. روابط امرا و پادشاهان کشورها با خلیفه (در بغداد) و پاپ (در واتیکان) نیز از روی نقش‌های سکه‌ها مشخص می‌گردد.

۴- تاریخ فرهنگی و هنری : خط،

زبان و هنر هر قومی، بر سکه‌های آن قوم نقش می‌بندد. با مطالعه هر سکه می‌توان به وضع هنری و تحول، تغییر و تأثیرپذیری آن قوم از هنر اقوام دیگر پی برد.

۵- جغرافیای تاریخی : به یاری سکه‌ها



گاه سکه‌های یافت شده موجب تغییر نظریات تاریخی می‌گردد. در کتاب‌های تاریخی آمده است که سلسله ساسانی با مرگ یزدگرد سوم منقرض شد. در کتاب آخرین شاه، نویسنده با استناد به سکه‌های یافت شده، معتقد است پس از یزدگرد سوم نیز تعدادی از شاهزادگان ساسانی به نام خود به عنوان شاه ایران سکه ضرب کرده‌اند.

استفاده‌های تاریخی از هر سکه

در پژوهش‌های تاریخی، سکه‌ها منبع مهم استخراج آگاهی‌ها در زمینه‌های گوناگون هستند و از هر سکه می‌توان در شاخه‌های گوناگون دانش تاریخ بهره برد، نظیر :

۱- تاریخ سیاسی : سکه‌ها سال‌شماری

دقیقی از حکام، تعداد، سال‌های حکومت و توالی آنها به دست می‌دهند. همچنین از نسب آنها، پیدایش دودمان‌های حکومتگر جدید، مدعیان حکومت، شورش‌ها و فتوحات خبر می‌دهند. چگونگی رابطه حکام محلی با یکدیگر و با حکام برتر نیز با مطالعه

از آنجا که در گذشته، همراه مردگان غذا، پول و سایر چیزها را در گور قرار می‌دادند، یافتن سکه‌ها در آن گورها، عمر سایر اشیاء را نیز معین می‌کند.

مورخان با یاری گرفتن از آگاهی‌های بالا، می‌کوشند اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و دینی هر عصری را همه جانبه‌تر بررسی کنند.

می‌توان نام دقیق شهر و محل ضرب آن را شناسایی کرد. بسیاری از مکان‌هایی که سکه‌ها در آنجا ضرب شده‌اند، اکنون ویران شده یا جای آنها را شهر دیگری گرفته است. با کمک سکه‌ها می‌توان با نام این مکان‌ها آشنا شد.

۶- باستان‌شناسی: پیدا شدن سکه‌ها در بناهای تاریخی، عمر آنها را مشخص می‌کند.



اندازه‌گیری وزن اشیای فلزی به عنوان واحد پول در دوره هخامنشی

دشواری‌های سکه‌شناسی

مهم‌ترین دشواری‌های سکه‌شناسی عبارتند از: آسیب‌ها (نظیر ساییدگی، زنگ‌زدگی، شکستگی)، اشتباه در خواندن، عدم دسترسی فراوان، عدم اطلاع از محل کشف سکه‌ها و احتمال جعل سکه.



یکی از نخستین سکه‌های اسلامی: این سکه در زمان عبدالملک‌بن مروان اموی ضرب شده است. نقش دو طرف این سکه با خط کوفی می‌باشد.

متن روی سکه:

مرکز: لا اله الا الله وحده لا شریک له

کناره: مُحَمَّد رسول الله ارسله بالهدی و دین — الحق لِیُظهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ



متن پشت سکه:

مرکز: الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد کناره: بسم الله
ضُرِبَ هَذَا الدِّرْهَمُ فِي سَنَةِ سَبْعٍ وَ سَبْعِينَ

مهم‌ترین وقایع پولی در ایران

رواج حلقه‌های نقره‌ای در شوش (دورهٔ ایلامی)	ح (حدود) ۲۰۰۰ پ.م
رواج شمش و حلقهٔ طلا و نقره در سرزمین ماد (دورهٔ مادی)	ح ۶۰۰ پ.م
رواج سکه‌های کرزوسی در ایران (دورهٔ هخامنشی)	ح ۵۵۰ پ.م
رواج دریک طلا و شکیل نقره در ایران (دورهٔ داریوش اول)	ح ۵۲۰ پ.م
رواج سکهٔ نقرهٔ یونانی دراخما در ایران (دورهٔ سلوکی)	ح ۳۲۰ پ.م
رواج سکه‌های پارسی با نوشتهٔ یونانی (دورهٔ اشکانی)	ح ۱۶۰ پ.م
رواج سکه‌های پارسی با نوشتهٔ پهلوی	ح ۶۰ پ.م
رواج سکه‌های عرب - ساسانی در ایران (صدر اسلام)	ح ۳۰ ق.
رواج سکه‌های اسلامی در ایران (دورهٔ اموی)	ح ۷۵ ق.
رواج سکه‌های پهلوی در طبرستان (دورهٔ اسپهبدان طبرستان)	ح ۱۰۰ ق.
رواج اولین سکه‌های ایرانی پس از اسلام (دورهٔ طاهریان)	ح ۲۱۰ ق.
ضرب سکهٔ هزار دیناری توسط صاحب‌بن عباد (دورهٔ آل بویه)	ح ۳۷۸ ق.
رواج شمش طلا و نقره (بالش) در ایران (دورهٔ مغولی)	ح ۶۴۰ ق.
انتشار پول کاغذی ایرانی (چاو) در ایران (دورهٔ ایلخانان)	ح ۶۹۳ ق.
اصلاحات پولی غازان خان (دورهٔ ایلخانان)	ح ۷۰۰ ق.
رواج سکه‌های لاری در ایران (دورهٔ صفوی)	ح ۹۰۰ ق.
اصلاحات پولی شاه سلیمان صفوی (دورهٔ صفوی)	ح ۱۰۹۷ ق.
ورود اولین دستگاه ضرب سکه به ایران (دورهٔ قاجار)	ح ۱۲۷۸ ق.
برقراری سیستم فرانک فرانسه در ایران (دورهٔ قاجار)	ح ۱۲۹۰ ق.
تأسیس ضرابخانهٔ دولتی در ایران و رواج اولین سکه‌های ماشینی در ایران (دورهٔ قاجار)	ح ۱۲۹۵ ق.
تأسیس بانک جدید شرق (انگلیسی) در ایران (دورهٔ قاجار)	ح ۱۳۰۴ ق.
تأسیس بانک شاهنشاهی ایران (انگلیسی) (دورهٔ قاجار)	ح ۱۳۰۶ ق.
انتشار اسکناس توسط بانک شاهنشاهی ایران (دورهٔ قاجار)	ح ۱۳۰۷ ق.
تصویب قانون تأسیس بانک ملی ایران (دورهٔ مشروطه)	ح ۱۳۲۶ ق.
رواج اسکناس‌های آلمانی توسط دولت مهاجرین در غرب کشور (دورهٔ مشروطه)	ح ۱۳۳۴ ق.
تأسیس بانک سپه، اولین بانک ایرانی	ح ۱۳۰۴ ش.
تأسیس بانک ملی ایران	ح ۱۳۰۶ ش.
خرید امتیاز انتشار اسکناس از بانک شاهنشاهی ایران	ح ۱۳۰۹ ش.
انتشار اسکناس توسط بانک ملی ایران	ح ۱۳۱۱ ش.
تأسیس بانک مرکزی ایران	ح ۱۳۳۹ ش.
انتشار اسکناس توسط بانک مرکزی ایران	ح ۱۳۴۰ ش.
تأسیس بورس اوراق بهادار ایران	ح ۱۳۴۵ ش.
ملی شدن بانک‌های کشور	ح ۱۳۵۹ ش.

- ۱- با استفاده از تصویر ص ۷۷ مهم‌ترین اشکال سکه را نام ببرید.
- ۲- چگونه می‌توان از سکه‌ها در نگارش تاریخ سیاسی بهره جست؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- یکی از سکه‌های رایج در جامعه را انتخاب کنید و نظرات خود را درباره آن بنویسید.
- ۲- سکه دوره اشکانی (صفحه ۷۸) را با سکه دوران اسلامی (صفحه ۸۱) مقایسه و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها را بیان کنید.